

سخن نخست

زبان، این امکان بی مانند پیوند اندیشه‌ها، آنچه بی آن حتا به سختی می‌توان اندیشیدن را در خیال آورد، به آسانی می‌تواند به سد استوار در مقابل انتقال همان اندیشه‌ها نیز تبدیل شود. هنگامی که زبان یکدیگر را نمی‌دانیم گفت و گو ناممکن می‌شود و این در راه کار دانشورانه مانعی بزرگ است. در طول تاریخ تا امروز موثرترین راه حل برای این مشکل، یافتن یک زبان مشترک علمی بوده است تا دانشوران بتوانند فارغ از تفاوت زبان‌های محلی‌شان اندیشه‌ی خویش را بر بال واژگان آن به دیگران برسانند. اگر چه همه‌گیر شدن یک زبان با عنوان زبان علمی دنیا (یا در قدیم منطقه‌ای از آن)، تابعی از مسایل درهم تنیده‌ای مانند میزان تولید علم گویش‌وران، قدرت و اعتبار جامعه یا جوامعی که آن زبان متعلق به آنهاست و به طور کلی مسائلی سیاسی-اقتصادی-علمی، است اما ما اکنون به نتیجه می‌پردازیم نه دلایل و شرایط پدید آمدنش.

بازتاب مساله‌ی زبان در کار ما این است که دانشورانی در جهان هستند که به زبان ما نمی‌نویسند. اینان هم شمار بیشینه‌ی دانشگران را تشکیل می‌دهند و هم گاه با اعتبارترین و تاثیرگذارترینشان را. حضورشان تنها در حوزه‌هایی مربوط به موسیقی‌شناسی خودشان نیست حتا تنها بر مسایل عام موسیقی‌شناسی نیز تمرکز ندارند، برخی از آنها دقیقا در مورد موضوعاتی کار می‌کنند (یا کرده‌اند) که ما نیز به آن مشغولیم. بنابراین ناگزیریم که از دستاورد کارهای یکدیگر آگاه باشیم، تاثیر بگیریم و اگر از دستان برآید تاثیر بگذاریم.

برای آگاهی یافتن از آنچه دیگران انجام داده‌اند ما راه برگردان متن‌ها را برگزیده‌ایم و این راهی است که همه‌ی فرهنگ‌ها فارغ از گستردگی و قدمت، ناگزیر از آنند تا سپهر خود را از گونه‌گونی اندیشه‌ی انسان پراکنده در جغرافیایی جهان رنگین و بارآور سازند و ما نیز استثنای این قاعده نیستیم و نمی‌خواهیم باشیم. برگردان به ویژه آن زمان اهمیت می‌یابد که به یاد آوریم بخش اعظم اندیشه‌ورزی انجام شده در یک رشته به زبان‌های دیگر انجام شده و محروم شدن از آن به معنای ندانستن بخشی بزرگ از گنجینه‌ی نظرات است.

گذشته از این ما به شنیده شدن نیز نیازمندیم. توهم اندیشه‌ورزی در خلا مطلق و بی‌نیاز از گفت و گو با دیگران، امری است که جز آسیب به بالندگی اندیشه‌مان سود دیگری نخواهد داشت. بنابراین مهرگانی از این پس از هر دو سو این بده بستان فرهنگی را میسر خواهد کرد. از یک سو با برگردان آثاری که شورای نویسندگان آن با اهمیت و تاثیرگذار تشخیص می‌دهند و از سوی دیگر با پذیرفتن مقالات به زبان انگلیسی.

خود ما نیز به آن معترفیم؛ بهتر آن می‌بود که تمامی مقالات پژوهشی منتشر شده در مهرگانی به هر دو زبان منتشر شوند تا تبعیضی میان خوانندگانی که تنها فارسی می‌دانند با دیگران نگذاشته باشیم اما ترجمه‌ی تمامی مقالات (یا تالیف همگی به دو زبان) اکنون از دسترس مهرگانی دور است، پس تا هنگامی که بتوانیم بی‌کم و کاست هر نوشته‌ی مهرگانی را در اختیار آنان که فارسی نمی‌دانند نیز بگذاریم (یعنی آن را بدل به یک پژوهش‌نامه‌ی دوزبانه‌ی کامل کنیم)، دو گام اولیه برمی‌داریم؛ نخست، پذیرای ترجمه‌ی مقالات تاثیرگذار در زمینه‌ی فعالیت مهرگانی و نیز مقالات پژوهشی تالیفی به زبان انگلیسی خواهیم بود و دوم چکیده‌ی انگلیسی تمامی مقالات پژوهشی را از شماره‌ی آینده (به قلم خود مولفان)، به گرمی خوش‌آمد می‌گوییم.

در آستانه‌ی سومین سال انتشار مهرگانی، علاوه بر افزوده شدن امکانات زبانی، دگرگونی‌هایی نیز در شورای نویسندگان مهرگانی رخ داده است. همکاری از ما گسسته و همکاری تازه به ما پیوسته‌اند. شادا، که «امیر مازیار» و «پویا سرایی» از این شماره از یاران مهرگانی‌اند و امید

این داریم که همراهی‌شان پژوهش‌نامه را پربارتر کند. و افسوس که «مهشید فراهانی» از یاران ما که در شکل‌گیری اندیشه‌ی برپایی مهرگانی و نیز تعیین گرایش‌های پژوهشی آن نقش داشت، سر زندگی خویش گرفت و از این شماره دیگر همراه ما نیست، شاد زی و تندرست باد.

یاران مهرگانی:

نرگس ذاکر جعفری

پویا سرایی

آروین صداقت‌کیش

امیر مازیار